

---

## در باره فرقه اجتماعیون عامیون ایران

---

دکتر سهراب یزدانی

دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه تربیت معلم

### چکیده

فرقه اجتماعیون عامیون نخستین حزب سیاسی، به مفهوم جدید، بود که در ایران پدیدار شد و در سال‌های آغازین مشروطیت به فعالیت پرداخت. درباره این فرقه نوعی تاریخ‌نگاری شکل گرفته که به طور خلاصه چنین است. حزب سوسیال دموکرات روسیه "سازمان همت" را در قفقاز به وجود آورد تا در میان مسلمانان منطقه فعالیت کند. سپس این سازمان برای جلب ایرانیان مقیم قفقاز، فرقه اجتماعیون عامیون را بنیان گذاشت. آن گاه شعبه‌های اجتماعیون در چند شهر ایران بر پا گشت. به این ترتیب، فرض می‌شود که اجتماعیون از طریق سازمان همت، با حزب سوسیال دموکرات روسیه پیوندی غیرمستقیم داشتند و برنامه و شکل سازمانی و شیوه مبارزه خود را از آن گرفته بودند. در این مقاله استدلال می‌شود که اسناد و مدارک کافی برای اثبات چنین نظریه‌هایی در دست نیست. اجتماعیون ارتباط سازمانی مشخصی با حزب سوسیال دموکرات روسیه نداشتند؛ در تنظیم برنامه و نظامنامه خود نیز تحت تأثیر آن نبودند. اندیشه حاکم بر اجتماعیون هم کاملاً سوسیالیستی نبود. همین طور، نمی‌توان اجتماعیون را حزبی یکپارچه و متمرکز و دارای سلسله مراتب مشخص سازمانی دانست.

کلید واژه‌ها: فرقه اجتماعیون عامیون- حزب سوسیال دموکرات روسیه- سازمان همت- حزب سوسیالیست‌های انقلابی- تروریسم- مسأله اراضی.

در سال‌هایی که انقلاب مشروطیت جامعه ایران را می‌روفت، نام "فرقه اجتماعیون عامیون ایرانیان" در تکاپوهای سیاسی و اجتماعی کشور به میان آمد. این فرقه بسیار کوچک بود، اعضایش اندک بودند، و شاید تنها در شش یا هفت شهر کشور شعبه داشت. از سوی دیگر، اجتماعیون نخستین حزب سیاسی ایران را تشکیل دادند، به سازماندهی مبارزه اجتماعی و ضد استبدادی در پایتخت یاری رساندند، و مسبب چند عمل تروریستی شناخته شدند. آنان در گیلان و آذربایجان جنبش روستائیان و پیشه‌وران را برانگیختند و در دوره استبداد صغیر، مقاومت تبریز را سازمان دادند. به علاوه، اجتماعیون عامیون نخستین گروهی بود که در ایران برنامه مشخص سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ارائه کرد و شکل سازمانی خود را به طور دقیق در نظام نامه‌ای شرح داد. بنابراین می‌توان گفت که اجتماعیون بیش از حد و اندازه سازمان خود بر رویدادهای جامعه ایران در دوره‌ای طوفانی تأثیر بخشیدند.

با همه این‌ها، آگاهی تاریخی درباره اجتماعیون عامیون ناچیز است. این فرقه به طور پنهانی فعالیت می‌کرد و در دوره مشروطه تقریباً هیچ اطلاع موثقی از چگونگی تشکیل آن، گرایش فکری، شبکه‌های سازمانی، و گردانندگان و اعضای آن به بیرون درز نکرد. سپس که در دوره مجلس دوم، اجتماعیون سازمان خود را منحل کردند، اطلاعات مربوط به آنان هر چه بیشتر از یادها رفت.

در دهه ۳۰ میلادی نوعی تاریخ‌نگاری در مورد حزب سوسیال دموکرات روسیه و جناح بلشویک آن ابداع شد که خواه ناخواه بر تاریخ فرقه اجتماعیون نیز سایه افکند. پایه گذار این تاریخ‌نگاری، لاورنتی بریا (Laverenti Beria) - دبیر اول حزب کمونیست گرجستان بود که اندکی بعد از ریاست گ.پ.او (G.P.U)، پلیس امنیتی شوروی، منصوب شد.

وی در ۲۱ ژوئیه ۱۹۳۵ سخنرانی چند ساعته‌ای ایراد کرد که سپس با عنوان "درباره تاریخ سازمان‌های بلشویکی در ماوراء قفقاز" به زبان‌های گوناگون انتشار یافت و به صورت دیدگاه رسمی درباره تاریخ بلشویسم در آمد. در این کتاب ادعا می‌شد که بلشویک‌های قفقاز از زمان پیدایش خود در سال ۱۹۰۳، مؤثرترین و با نفوذترین سازمان سیاسی در قفقاز بودند و رهبری آنان در دست استالین قرار داشت. (۱) این نوشته رسمی پایه‌ای هم برای بررسی فرقه اجتماعیون ایران گذاشت و تنها روایت معتبر و پایدار درباره

این فرقه را سامان بخشید. این روایت، به طور بسیار فشرده، چنین است: جناح بلشویک حزب سوسیال دموکرات روسیه به دنبال جذب کارگران صنعت نفت باکو بود. اما اکثر این کارگران، که مسلمان و ترک زبان بودند، به دلیل حضور گسترده ارمنیان در بین سوسیال دموکرات‌ها، از این حزب دوری می‌جستند. بنابراین، بلشویک‌ها سازمانی به نام "همت" ایجاد کردند که در حکم شعبه مسلمانان حزب سوسیال دموکرات روسیه بود.

پس از زمانی کوتاه، سازمان همت برای جلب ایرانیانی که در قفقاز - به خصوص باکو و پیرامون آن - کار می‌کردند، فرقه اجتماعیون عامیون را در باکو بنا نهاد. آن گاه شعبه‌های اجتماعیون در شهرهای گوناگون ایران گسترش یافتند. اجتماعیون برنامه سازمان همت را ترجمه کردند و همان را برنامه کار خود دانستند؛ تشکیلات سازمانی خود را نیز برپایه ساختار حزب سوسیال دموکرات و همت گذاشتند. به این ترتیب فرض می‌شود که فرقه اجتماعیون از طریق همت با حزب سوسیال دموکرات روسیه پیوند داشته و پیرو آن بوده است. (۲)

در سال‌های اخیر چند مورخ ایرانی از همین روایت تاریخی سود جسته‌اند تا به تحلیل فعالیت اجتماعیون بپردازند. آنان می‌گویند که اجتماعیون ایرانی شیوه‌های خشونت سیاسی - از جمله ترور - را در ایران به کار بستند، زیرا پیرو روش‌هایی بودند که حزب سوسیال دموکرات روسیه - به ویژه شاخه بلشویک آن - در مبارزه با نظام تزاری از آن سود می‌برد. (۳)

اما بررسی دقیق اسناد و مطالعه نوشته‌های تاریخی غیررسمی بر درستی روایت بالا سایه تردید می‌اندازد. آگاهی برگرفته از این اسناد و نوشته‌ها، به طور خلاصه، چنین است: در حدود سال ۱۹۰۳ م/۱۲۸۳ش چند روشنفکر مسلمان یک گروه مطالعه سیاسی در باکو تشکیل دادند. برخی از آن‌ها - مانند سلطان مجید افندیف و اسدالله آخوندوف - عضو حزب سوسیال دموکرات بودند. اما چند تن دیگر مانند عباس کاظم زاده و محمد امین رسول زاده، هنوز با آن حزب پیوندی نداشتند. (۴) این گروه در سال ۱۹۰۴ م/۱۲۸۳ش روزنامه همت را به زبان ترکی آذری در باکو منتشر ساخت. مقاله‌های روزنامه به ترویج ایدئولوژی مشخصی نمی‌پرداختند و به هیچ رو مارکسیستی نبودند. اما پلیس تزاری این روزنامه را انقلابی و تحریک کننده می‌دانست و به همین علت پس از انتشار شش شماره توقیف‌اش کرد.

گروه ناشر روزنامه در همان سال ۱۹۰۴م/۱۲۸۳ش سازمان همت را بنیاد نهاد. تقریباً یک سال پس از تشکیل همت، مشهدی عزیز بیگوف و نریمان نریمانف به آن پیوستند. هر دو نفر عضو حزب سوسیال دموکرات بودند و در زمره رهبران همت در آمدند. نام کامل همت چنین بود: "سازمان سوسیال دموکرات مسلمان همت" اما این سازمان به راستی تا چه حد با حزب سوسیال دموکرات روسیه پیوند داشت و به چه میزان می‌توان آن را سوسیالیست شمرد؟

گروهی از مورخان همت را کاملاً به حزب سوسیال دموکرات روسیه وابسته می‌دانند و می‌گویند این حزب مقررات خود را تا حدی نادیده گرفت و سازمان همت را برای جذب مسلمانان منطقه به وجود آورد و در میان همه سازمان‌های وابسته به خود، استقلالی بی-مانند به آن سپرد. (۵) اما این استدلال چندان گویا نیست. زیرا حزب سوسیال دموکرات هیچ گونه تفکیک سازمانی را بر پایه ملیت، زبان یا مذهب در درون تشکیلات خود نمی-پذیرفت و هدفش ایجاد و گسترش حزبی یک پارچه در سرتاسر امپراتوری روسیه بود. (۶) پس چرا این سیاست کلی را کنار نهاد و چنان استقلالی به سازمان همت وا گذاشت؟ در حقیقت شواهدی می‌توان یافت که بر استقلال همت از حزب سوسیال دموکرات گواهی می‌دهند. این شواهد را می‌توان چنین برشمرد:

یکم. تا کنون سندی ارائه نشده که ثابت کند حزب سوسیال دموکراسی در صدد ایجاد سازمانی مستقل برای مسلمانان قفقاز بوده است.

دوم. اعلامیه‌ای از دفتر باکوی حزب سوسیال دموکرات در دست است، که احتمالاً در سال ۱۹۰۶ انتشار یافته بود. و از اتحاد بلشویک‌ها و منشویک‌های قفقاز خبر می‌داد. در اعلامیه گفته می‌شد که گروه همت می‌خواهد همچنان به "رهنمود" حزب سوسیال دموکرات فعالیت کند. به بیان دیگر، همت استقلال سازمانی خود را همچنان حفظ می-کرد. (۷)

سوم. ماهیت اعضا و ایدئولوژی همت تفاوت بسیار با سوسیال دموکرات داشت. هنگام برپایی همت، حزب سوسیال دموکرات روسیه به دو جناح بلشویک و منشویک تقسیم شده بود. در سازمان همت هم بلشویک‌ها و هم منشویک‌ها فعالیت می‌کردند. نریمانف به لحاظ نگرش سیاسی خود بین آن‌ها قرار می‌گرفت. ملی‌گرایان نیز در آن سازمان دیده می‌شدند. (۸) بر پایه همین شواهد، مورخ شوروی- صمدوف- می‌گوید که بسیاری از

اعضای همت، سوسیال دموکرات یا مارکسیست نبودند، بلکه از اندیشه‌های "روشنگران" سده هجدهم اروپا تأثیر می‌پذیرفتند. (۹)

بر گفته اویغزاییم که در سازمان همت، کارگران، روشنفکران بورژوا، حتی اشراف زادگان عضو بودند. (۱۰) به همه این دلایل، همت هرگز به صورت سازمانی متمرکز و منسجم در نیامد. بلکه اتحادیه‌ای باقی ماند با ساختار نسبتاً سست، متشکل از کسانی که به رادیکالیسم سیاسی و اجتماعی گرایش داشتند، اما بیش از آن که در بند مبانی عقیدتی باشند، شیفته عمل سیاسی بودند. (۱۱)

در حدود دسامبر ۱۹۰۵م/شوال ۱۳۲۳/ دی ماه ۱۲۸۴ فرقه اجتماعیون عامیون ایرانیان در باکو پایه گذاری شد. گروهی از ایرانیان مهاجر، با همکاری نیمانف، این سازمان را بنیاد نهادند. (۱۲) از خلال منابع مختلف می‌توان گفت که اعضای فرقه به طور عمده پیشه‌ور، دکان‌دار و کاسب، کارگر و چند بازرگان خرده پا بودند. نسخه ناقصی از برنامه اولیه اجتماعیون یا برنامه‌ای که برای بحث درون فرقه ترجمه شده بود، بر جا مانده که بر گرفته از برنامه همت است؛ هر چند برخی از مواد آن دست کاری شده تا با موقعیت جامعه ایران سازگاری کند. (۱۳)

شعبه‌های اجتماعیون در چند شهر ایران به راه افتاد. مرکز فعالیت آنها، مناطق شمال کشور بود. رویدادهای انقلابی قفقاز، تعطیل تأسیسات نفتی آن منطقه، سپس برقراری مشروطیت در ایران موجب شدند که گروه‌هایی از ایرانیان، به میهن خود برگردند. برخی از آنها شعبه‌های اجتماعیون را در سرزمین مادری خود تأسیس کردند. در عین حال، کسانی هم بودند که با اجتماعیون قفقاز ارتباط سازمانی نداشتند و به ابتکار خود گروه‌های اجتماعیون را به وجود آوردند. نمونه مشخص چنین گروهی در تبریز به دست کسانی چون کربلایی علی "مسیو" پایه گذاری شد.

فرقه اجتماعیون هیچ گاه به صورت حزبی متمرکز، با رهبری مشخص و رشته ارتباط‌های سازمانی مدون در نیامد. شعبه‌های فرقه در مناطق مختلف نسبت به یکدیگر از استقلال فراوان برخوردار بودند. در تبریز دو شعبه وجود داشت که یکی به مرکز باکو وابسته بود، دیگری را تبریزی‌ها سازمان داده بودند. هیچ کدام نیز خود را پیرو دیگری نمی‌دانست. در گیلان، اجتماعیون انزلی اعلام کردند که "مستبدین" بر شعبه اجتماعیون رشت چیره شده‌اند، بنابراین، آن را به رسمیت نمی‌شناسند. (۱۴) اجتماعیون تهران حتی از

بر پایی شعبه رسمی خودداری کردند.

به دلیل همین پراکندگی و گاه رقابت و دشمنی‌ها بود که نشستی از نمایندگان شعبه-های مختلف در مشهد برگزار شد. این نمایندگان نخستین برنامه و نظامنامه مفصل و دقیق اجتماعیون را تنظیم کردند (۱۵) هر دو سند از زمره منابع مهم در بررسی ماهیت اجتماعیون است. در این جا از هر سند یک مورد را بر می‌گزینیم و بر آن تأمل می‌کنیم. مورد نخست مربوط به تشکیل گروه فداییان است. در نظامنامه به ایجاد گروه بسیار مخفی در درون فرقه اشاره می‌شد که اعضایش "فداییان" خوانده می‌شدند. آنان افرادی دستچین شده بودند که برای عملیات پنهانی سازمان می‌یافتند و به هنگام مأموریت، اسلحه و بمب در اختیارشان گذاشته می‌شد. بنابراین روشن است که فداییان مأمور انجام عملیات ضربتی، نظامی و تروریستی بودند. (۱۶)

اما چنین شبکه مخفی نظامی در ساختار رسمی هیچ یک از احزاب سوسیالیست اروپائی از جمله حزب سوسیال دموکرات روسیه وجود نداشت. در اساسنامه سازمان همت نیز برپایی چنین گروهی پیش‌بینی نمی‌شد. (۱۷) اما می‌توان نمونه‌ای برای گروه مخفی اجتماعیون یافت. الگوی گروه مسلح مخفی در حزب سوسیالیست‌های انقلابی روسیه (آس.آر.) وجود داشت. (۱۸) این حزب در اوایل سده بیستم از پیروان اندیشه نارودنیسم (مردمی‌ها) به وجود آمد و رقیب سرسخت حزب سوسیال دموکرات شد. دو ستون اصلی حزب آس. آر عبارت بود از اعتقاد به سوسیالیسم دهقانی و تروریسم. این حزب شبکه‌ای نظامی را سازمان داد و این شبکه دومین موج بزرگ ترور را- پس از موج اولیه سال‌های ۱۸۸۰- در سراسر روسیه به راه انداخت. (۱۹)

در میان احزاب سیاسی روسیه- از انقلابی گرفته تا لیبرال- هیچ کدام مانند حزب سوسیال دموکرات، مخالف ترور نبود. بنیان‌گذار فکری این حزب و رهبر جناح منشویک، پلخانف، در نوشته‌های خود هر گونه عمل "بلانکیستی" را محکوم می‌دانست، یعنی عملیاتی که گروه کوچک توطئه‌گر به نام توده مردم یا طبقه اجتماعی به خصوصی انجام می‌داد و شامل ترور سیاسی نیز می‌شد. (۲۰) لنین- رهبر جناح بلشویک- نیز تروریسم را میراث شکست خورده نارودنیسم می‌شمرد که حزب اس. آر آن را به شیوه مبارزه خود تبدیل کرده بود. (۲۱) بنابراین نمی‌توان گفت که اجتماعیون ایرانی در ایجاد هیئت فدائی و بهره-گیری از شیوه‌های تروریستی تحت تأثیر حزب سوسیال دموکرات روسیه یا همت بودند.

مورد دوم، برنامه ارضی اجتماعیون است. بر طبق برنامه مشهود، روستاها و املاک سلطنتی باید بدون غرامت بین رعایا تقسیم می‌شد، املاک افزون بر نیاز مالکان را نیز باید بانک می‌خرید و به روستائیان واگذار می‌کرد. (۲۲) بنابراین، هدف برنامه اجتماعیون، تقسیم زمین میان دهقانان بود. اما هیچ یک از احزاب سوسیالیست روسیه چنین برنامه‌ای برای مسأله اراضی نداشت. در کنگره حزب سوسیال دموکرات به سال ۱۹۰۶/م ۱۲۸۵ش، منشویک‌ها خواهان مصادره زمین‌های بزرگ و واگذاری آن‌ها به شهرداری‌ها بودند؛ بلشویک‌ها طرح "ملی کردن زمین‌ها" را پیش کشیدند. (۲۳) در برنامه حزب آس. آر گفته می‌شد که زمین‌های کشاورزی باید به حکومت‌های خودگردان محلی سپرده شود و دهقانان متمرکز در جامعه روستایی به طور همگانی از آن بهره‌برداری کنند. (۲۴)

برنامه سازمان همت در این مورد تند و تیز بود و از مصادره همه زمین‌های متعلق به دولت، اشراف، مالکان بزرگ و واگذاری آن‌ها به دهقانان پشتیبانی می‌کرد. (۲۵) در میان احزاب سیاسی روسیه، تنها آن‌هایی از تقسیم زمین میان دهقانان طرفداری می‌کردند که به اعتقاد سوسیالیست‌ها، بورژوا و ارتجاعی بودند. بر طبق برنامه "فرقه هفدهم اکتبر" و "فرقه حریت ملیه" زمین‌های سلطنتی و دولتی و کلیسایی باید به طور رایگان بین دهقانان تقسیم می‌شد و اگر این زمین‌ها کفایت نمی‌کرد، آن گاه زمین‌های مالکان به بهای عادلانه از آن‌ها خریداری و به دهقانان واگذار می‌شد. (۲۶)

چنان که روشن است، فرقه اجتماعیون تحت تأثیر هیچ یک از احزاب سوسیالیست روسی برنامه اراضی خود را تدوین نکرده بود. این فرقه یا برنامه دو حزب "بورژوای" روسیه را اقتباس کرده بود یا با مطالعه برنامه‌های مختلف، خود طرحی مستقل نگاشته بود.

در این جا بر پایه آن چه تاکنون گفته شده است و برخی آگاهی‌های تاریخی دیگر، می‌خواهیم به نتایجی برسیم: سازمان همت در ایجاد فرقه اجتماعیون عامیون ایرانیان دخالت داشت و با آن همکاری می‌کرد، اما نتوانست آن را زیر نظارت خود بگیرد. دو دلیل عمده برای این امر می‌توان یافت: نخست آن که سازمان همت در خاک خود زیر ضربه پلیس تزاری قرار گرفت و بخش بزرگی از آن نابود گشت و بسیاری از رهبران و اعضایش راهی زندان یا تبعید شدند؛ دوم آن که شعبه‌های اجتماعیون در ایران کوشیدند تا هم نسبت به همت، هم در برابر اجتماعیون باکو به استقلال رفتار کنند.

کسانی که شعبه‌های اجتماعیون را در ایران پی‌افکنند، می‌خواستند در وضع ناپایدار سیاسی فعالیت کنند؛ و چون می‌دانستند که وابستگان به نظام کهن و مشروطه‌خواهان میانه رو در برابرشان خواهند ایستاد، راهی جز فعالیت پنهانی نیافتند. اما آن‌ها در زمینه ایجاد سازمانی متناسب با این شیوه فعالیت بی‌تجربه بودند. بنابراین، به نزدیک‌ترین نمونه‌هایی که در دسترس‌شان بود، توجه کردند. این نمونه‌ها را می‌شد در میان احزاب سیاسی فعال در قفقاز یافت. اما ساختمان حزبی‌ای که اجتماعیون برگزیدند، اقتباس تمام عیار از حزب به خصوصی نبود. آن‌ها از نظر شکل سازمانی به سازمان همت و حزب آس. آر توجه کردند. برنامه‌شان ترکیبی بود از برنامه همت و احزابی چون "فرقه حریت ملیه" اندیشه چیره بر آن‌ها تلفیقی بود از ملی‌گرایی، روشنگری سده هجدهم، لیبرالیسم سیاسی و گونه‌ای سوسیالیسم. دیدگاه سوسیالیستی‌شان آمیزه‌ای بود از سوسیالیسم اروپایی، سوسیال دموکراسی روسی و تفکر حزب اس. آر.

نفوذ اس. آر بر اجتماعیون چشمگیر بود. هم از آن رو که شیوه تروریستی را در مبارزه سیاسی جایز شمردند؛ هم به آن علت که تأکید سوسیال دموکراسی بر نقش کارگر را کنار گذاشتند، که در ایران آن روزگار توجهی نداشت؛ و به جای آن، سوسیالیسم دهقانی اس. آر.ها را پذیرفتند. اما اندیشه‌ها و هدف‌های سیاسی اجتماعیون سراسر بر گرفته از مکتب‌های اروپایی نبود. آنان از متفکران و مبارزان ایرانی نیز توشه برگرفتند. متفکرانی چون میرزا ملکم خان، آخوندزاده، طالبوف تبریزی، میرزا آقا خان کرمانی بر شکل‌گیری اندیشه آنان تأثیر بخشیده بودند. شیوه مبارزه و شخصیت سید جمال‌الدین اسدآبادی نیز هیچ‌گاه از نظر آزادی‌خواهان ایرانی نیفتاده بود. آموزه‌های حاجی شیخ هادی نجم‌آبادی بر چند تن از اجتماعیون اثر گذاشته بود. اسطوره تاریخی هم وجود داشت: و آن عمل میرزا رضا کرمانی در کشتن ناصرالدین شاه بود. (۲۷)

این طیف گسترده فکری حکایت از آن می‌کرد که اجتماعیون پیرو حزب یا مرام خاص بیگانه نبودند. آن‌ها کوشیدند اجزای اندیشه‌هایی را که برای میهن‌شان مفید می‌دانستند، گرد بیاورند. هم به علت گستره فکری، هم به دلیل آن که ایرانیان تجربه کار سازمانی و حزبی نداشتند، در بین اجتماعیون یکپارچگی فکری به وجود نیامد و این یکی از دلائلی بود که موجب شد تا بازماندگان فرقه، در سال‌های بعد، به راه‌های گوناگون و گاه متضاد سیاسی بروند.



در پایان به این نتیجه گیری کلی می‌رسیم: اگر فرضیه‌هایی که در این مقاله بیان شده است، پایه‌هایی استوار داشته باشد، آن‌گاه می‌توان در درستی روایت‌های پیشین تردید کرد و از زاویه‌ای تازه به فرقه اجتماعیون عامیون نگریست. در این صورت، می‌توان تاریخ آن فرقه را به گونه‌ای دیگر بازنویسی کرد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## پی‌نوشت

1. Bertram D. Wolfe, Three Who Made A Revolution, Middlesex: Penguin Books 1984, p. 457.

۲. دایره المعارف بزرگ شوروی، به نقل از رواسانی، شاپور: نهضت میرزا کوچک خان جنگلی و اولین جمهوری شورایی در ایران، تهران، چاپخش، ۱۳۶۳، ص ۵۷.

۳. برای نمونه بنگرید به فریدون آدمیت: مجلس اول و بحران آزادی، تهران، انتشارات روشنگران، ۱۳۷۰؛ صص ۱۰۸-۱۰۹؛ ماشاء الله آجودانی: مشروطه ایرانی و پیش‌زمینه‌های نظریه ولایت فقیه، لندن، انتشارات فصل کتاب، ۱۳۶۷، صص ۴۲۰-۲۳.

۴. تادیوس سویتو خوفسکی: آذربایجان و روسیه (۱۹۰۵-۱۹۲۰): شکل‌گیری هویت ملی در یک جامعه مسلمان، ترجمه کاظم فیروزمند، تهران نشر شادگان، ۱۳۸۱، ص ۶۴.

5. A Bennigsen & Ch Lemercier- Quelqejay, Islam in the Soviet Union, London: pall mall press, 1967, p.56.

۶. به این نمونه توجه کنیم: در ژوئیه ۱۹۰۳ کنگره حزب سوسیال دموکرات در بروکسل تشکیل شد. بوند (Bund) که سازمان کارگران سوسیال دموکرات یهودی بود، از کنگره خواست که خودمختاری داخلی آن را به رسمیت بشناسد. به این معنی که بوند کمیته مرکزی خود را داشته باشد و سیاست‌های مربوط به یهودیان را تعیین کند. مارتف و تروتسکی دو عضو یهودی حزب سوسیال دموکرات، آن خواسته‌ها را نا موجه دانستند. تروتسکی گفت که اگر حزب چنان امتیازهایی به بوند بدهد، دیگر نمی‌تواند از امتیاز دادن به گروه‌های دیگر خودداری کند. در این صورت حزب سوسیال دموکرات باید اندیشه ایجاد سازمان یکپارچه را کنار بزند و به اتحادیه سست و ناپایدار از احزاب و گروه‌های گوناگون تبدیل بشود. نگاه کنید به:

Issac Deutscher, the Prooher Armed, Trotsky: 1879-1921, London: Oxford University Press, 1970, pp. 73-4.

۷. سویتو خوفسکی: آذربایجان، صص ۶۵-۶۶.

۸. جعفر پیشه‌ور: تاریخچه حزب عدالت، تهران، انتشارات علم، ۱۳۵۹، ص ۳۵.

۹. به نقل از:

Mangol Bayat Iran's First Revolution: Shi'ism and the Constitutional Revolution of 1905-1909, New York, Oxford: Oxford University press, 1991, p.88.

روشنگران، فیلسوفان سده هجدهم اروپا و آمریکای شمالی بودند که کوشیدند بر پایه خرد و دانش، پاسخ‌هایی برای مسائل جهان و جامعه بیابند. در بعد سیاسی، آنان به "حقوق طبیعی" و "قرارداد اجتماعی" اعتقاد داشتند.

10. Bennigsen Lemercier- Quelqejay, Islam, p.57.

۱۱. سویتو خوفسکی: آذربایجان، ص ۶۶.

◀ در باره فرقه اجتماعیون عامیون ایران ۱۶۱

۱۲. کسروی، احمد: تاریخ مشروطه ایران، تهران، امیرکبیر، چاپ یازدهم، ۱۳۵۴، ص ۱۹۴.
۱۳. "یک سند شناخته نشده درباره حزب سوسیال دموکرات در ایران"، رواسانی: نهضت میرزا کوچک خان، صص ۳۲-۲۱.
۱۴. ظهورالدوله، علی خان، خاطرات و اسناد ظهورالدوله به کوشش ایرج افشار، تهران، انتشارات زرین، چاپ دوم، ۱۳۶۷، ص ۳۲۰.
۱۵. بنگرید به "نظامنامه شعبه ایرانی جمعیت مجاهدین" متشکله در مشهد، رواسانی: نهضت میرزا کوچک خان، صص ۲۲۲-۲۹؛ "ارماننامه جمعیت مجاهدین" و همان صص ۳۲۹-۳۱.
۱۶. مواد ۴۰ و ۴۱، "نظامنامه"، همان، صص ۳۲۷-۲۸.
۱۷. "اساسنامه سازمان همت"، همان صص ۳۳۶-۳۷.

18. Deutscher Prophet, p.4 .

19. Maureen Perrie, The agrarian policy of The Russian Socialist- Revolutionary Party from it's origins through the revolution of 1905-1907, Cambridge: Cambridge University Press, 1975, pp.91-97.

20. Georgi Plekhanov, Our Differences, Selected Philosophical works, Moscow: Progress Publishers, 1977, Vol.I, pp.117-20.

21. V.I.Lenin, Revolutionary Adventurism, Collected works, Moscow: Progress Publishers, 1977, Vol.6, pp.187-94.

۲۲. "ارماننامه جمعیت مجاهدین"، رواسانی: نهضت میرزا کوچک، صص ۳۳۰-۳۱.

۲۳. ایزاک دویچر: زندگینامه سیاسی استالین، ترجمه علی اسلامی، محمود ریاضی، تهران، نشر نو، ۱۳۶۸، صص ۱۰۸-۱۰۹.

24. Perrie, Agrarian Policy, pp.144-51.

۲۵. "برنامه و نظامنامه سازمان سوسیال دموکرات مسلمان همت"، رواسانی: نهضت میرزا کوچک، ص ۳۳۹.

۲۶. نقل از روزنامه شریفه ارشاد، صوراسرافیل، سال اول، شماره ۲۸ (سه شنبه ۴ ربیع الآخر ۱۳۲۶) ص ۳.

۲۷. این یکی از دلالی بود که گردانندگان هفته نامه صوراسرافیل را بر انگیخت تا متن بازجویی از میرزا رضا کرمانی را منتشر کنند. آنان عضو گروه مخفی اجتماعیون عامیون تهران بودند و سندی را به خوانندگان خود معرفی کردند که تا آن زمان پنهان نگاه داشته شده بود. بنگرید به: "صورت استنطاق با میرزا محمد رضای کرمانی...،" صور اسرافیل، سال اول، شماره ۹ (۲۸ جمادی الآخر ۱۳۲۵)، صص ۳-۸. انتشار متن بازجویی تا چند شماره هفته نامه ادامه یافت.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

### شرایط اشتراک

۱. تکمیل فرم زیر و ارسال آن به آدرس: محلات، بلوار آیت‌الله خامنه‌ای، دانشگاه آزاد اسلامی واحد محلات، کد پستی ۵۸۵۱۴-۳۷۸۱۹  
تلفن: ۹۷۸۹-۰۸۶۶۳۲۲

پست الکترونیکی: Fasnameh-Tarikh@iauMahallat.ac.ir

۲. ارسال فیش بانکی حق اشتراک به حساب جاری ۲۵۲۴ بانک ملی محلات شعبه بازار کد ۲۸۵۶

۳. بهای اشتراک سالانه (شماره ۴) با احتساب هزینه پستی برای:

۳۰۰۰۰ ریال

موسسات، شرکتها و مراکز تحقیقاتی و اشخاص حقیقی و حقوقی

۲۰۰۰۰ ریال

استادان و دانشجویان با تأیید واحد آموزشی دانشگاه زیربسط

۷۵۰۰ ریال

تک شماره

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رسال جامع علوم انسانی

### برگ تقاضای اشتراک

اینجانب..... دانشجوی / عضو هیئت علمی دانشگاه .....

تقاضای اشتراک مجله فصلنامه تاریخ را به مدت: یک سال  دو سال  از شماره .... تا شماره .... دارم.

به پیوست رسید واریز شده به مبلغ..... به حساب..... ارسال می شود.

نشانی:

تلفن:

نمبر:

پست الکترونیکی:



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی